

صنعت نفت؛ صنعتی متمایز

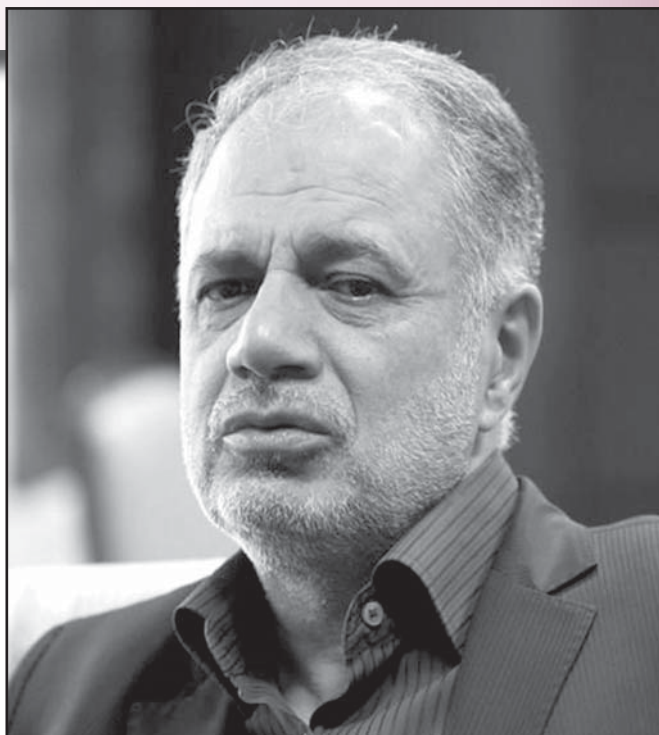
گفتگو با

آقای مهندس علی کاردر

معاون سابق وزیر نفت

و

مدیرعامل سابق شرکت ملی نفت ایران



ساز

جنابعالی عهده‌دار مسئولیتهای مهم و طولانی مدتی در صنعت نفت بوده‌اید و از طرف دیگر با حرفه حسابداری و حسابرسی ارتباط و همکاری نزدیکی دارید و با مسایل و مباحث حسابداری به‌طور کامل آشنایی دارید. تجربه وسیع شما در صنعت به احتمال زیاد بر دیدگاه شما درباره گزارشگری مالی تاثیرگذار است. از این رو، امید داریم که خوانندگان ما در این گفتگو از پاسخهای جامع و فراگیر شما بهره‌مند شوند. در شروع گفتگو خواهش می‌کنم برای آشنایی خوانندگان با محیط موضوع بحث، پیچیدگیها و ویژگیهای صنعت نفت را تشریح کنید.

کاردر

همان طور که مستحضرد صنایع نفت به دو بخش صنایع بالادستی و پایین‌دستی تفکیک می‌شود. صنایع پایین‌دستی همانند پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی همانند دیگر صنایع فرایندی مثل صنایع شیمیایی از قبیل صنایع رنگ و رزین و مواد پاک‌کننده و غیره می‌باشد که از استانداردهای متداول حسابداری و حسابرسی تبعیت می‌کند که در این گفتگو در دامنه بحث قرار نمی‌گیرد.

صنایع بالادستی که از مراحل آمایش سرزمین، زمین‌شناسی، لرزه‌نگاری دوبعدی و سه‌بعدی، حفاری چاه شامل چاه‌های توصیفی، تحدیدی، و مسئله مهم تخمین حجم نفت یا گاز موجود در میدان و انجام تزریق آب، گاز و مواد شیمیایی و مراحل تولید با جداکردن نفت و گاز و آب از یکدیگر و تصفیه آن از ناخالصی و در نهایت ذخیره‌سازی و انتقال به مبادی مصرف یا صادرات با خط لوله یا کشتی که همگی دارای فرایندهای پیچیده و دارای ریسک بالای عملیاتی به علت فشار و حرارت زیاد، این صنعت را متمایز می‌کند. علاوه بر نوع فرایند، این صنعت به علل زیر از نظر ریسک اقتصادی از دیگر صنایع متمایز می‌شود:

- ۱- ریسک بسیار بالا خارج از ریسکهای تجاری در سایر صنایع،
- ۲- احتمال تجاری شدن مخزن هیدروکربوری پس از کشف میدان نفت یا گاز،
- ۳- وجود فاصله زمانی از زمان در دسترس قرارگرفتن زمین و اخذ لیسانس تا تولید از مخزن،
- ۴- نبود هیچ رابطه منطقی بین هزینه‌های سرمایه‌گذاری انجام‌شده و نتیجه به دست آمده،
- ۵- ارزش هیدروکربور داخل مخزن، که ارزش اصلی و واقعی شرکت را نشان می‌دهد، که در داراییها و در اقلام ترازنامه نشان داده نمی‌شود،
- ۶- کشف مخازن جدید که امکان آرایه آنها در حسابهای واقعی سودوزیان وجود ندارد و تنها به عنوان یک رویداد از درآمدهای آتی شرکت ارائه می‌شود،
- ۷- سرمایه‌بربودن صنعت و ریسک آن در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک (JOA).

صنایع

صورت‌های مالی اساسی صنعت نفت در کدامیک از اقلام تشکیل‌دهنده و موارد افشا، تمایز مهمی از اطلاعات صورت‌های مالی سایر شرکتها و صنایع دارد؟

کارد

قبل از پرداختن به این سؤال لازم است توضیح دهم که حسابداری صنایع بالادستی از دو مدل برای ارائه صورت‌های

مالی استفاده می‌کند که در دیگر صنایع مرسوم نیست. مدل اول به نام **بهای کامل** (Full Cost: FC)، و مدل دوم به نام **تلاش موفق** (Successful Efforts: SE) که هر کدام از این مدلها در نحوه منظور نمودن اقلام هزینه به حساب سودوزیان یا یکی از اقلام داراییها با یکدیگر تفاوت دارند و این مدلها در کشورهایی مثل امریکا و انگلستان از منطق برخوردارند و طرفدارانی دارند. در کشورهای یادشده و دیگر کشورها بر اساس **اصول پذیرفته شده حسابداری ایالات متحد (GAPP)** و **استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IAS)** ممکن است برای تهیه صورتهای مالی، یکی از مدلهای اشاره شده انتخاب شود.

ضمن آن‌که روشهای یادشده در نحوه افشای اقلام داراییهای غیر جاری در دوران اکتشاف و بعضی از هزینه‌های توسعه مخزن و کاهش ارزش اقتصادی دارایی و رعایت سقف سرمایه‌گذاری و نحوه استهلاک‌پذیری داراییها در دو مدل یادشده متفاوت است، در مجموع منظور نمودن هزینه به حساب سودوزیان و یا دارایی در این صنعت با دیگر صنایع تفاوت دارد.

در حال حاضر طبق استانداردهای حسابداری ایران افشای داراییهای غیر جاری همانند دیگر صنایع از قبیل زمین، زمین چاه، ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات، وسایط نقلیه، اثاثیه و لوازم اداری طبقه‌بندی می‌شود در حالی‌که طبق مدلهای یادشده و در قالب استانداردهای حسابداری کاربردپذیر شرکت‌های نفتی در حوزه بالادستی، می‌بایست هزینه سرمایه‌گذاری بر اساس نگرش به وضعیت مخازن هیدروکربوری مثل مخازن کشف‌شده، کشف‌شده تجاری‌شده، کشف‌شده تجاری‌شده توسعه‌نیافته، و کشف‌شده تجاری‌شده توسعه‌یافته، و بر اساس موقعیت جغرافیایی کشورها و مناطق مختلف طبقه‌بندی و ارائه شود.

صنایع

چه چالشهای مهمی در حسابرسی صورتهای مالی صنعت نفت وجود دارد؟ شناخت درآمد؟ برآوردهای حسابداری؟ معاملات با اشخاص وابسته؟ قیمتگذاری موجودیها؟ و ...؟

کاردر

در این فرصت نمی‌توان به همه ابعاد موضوع پرداخت اما به‌طور اجمال می‌توان گفت که استانداردهای حسابداری ایران در حال حاضر استانداردهای شرکت‌های نفتی را پشتیبانی نمی‌کند و وجود قوانین مختلف امکان ارائه صورتهای مالی اساسی طبق استانداردهای بین‌المللی را به شرکت نفت نمی‌دهد که دو نمونه آن را در سؤال قبل اشاره کردم و در این سؤال به چند نکته دیگر می‌پردازم.

همان‌طور که خوانندگان مجله شما مستحضرنند صنایع نفت و گاز دارای ابعاد محیط‌زیستی هستند، از جمله این که بعد از توسعه میدان و اتمام برداشت اقتصادی از میدان، شرکت‌های نفتی تمام تجهیزات خود را از محل اجرا جمع‌آوری و موقعیت محل را به شرایط قبل از فعالیت اکتشاف یا توسعه و تولید بر می‌گردانند. لذا، استاندارد حسابداری اجازه داده است که هزینه جمع‌آوری از ابتدا پیش‌بینی و ذخیره لازم در حسابهای شرکت با رویه‌ای که شرکت انتخاب می‌کند، منظور شود و هر چندسال یکبار، بر اساس شرایط تورمی، در ارقام ذخیره‌شده تجدیدنظر صورت گیرد.

یا این که استانداردهای حسابداری اجازه می‌دهد که شرکت‌ها برای ارتقای وضعیت اجتماعی و رفاهی مردم در منطقه حوزه فعالیت، مدرسه، درمانگاه، جاده، مراکز ورزشی و فرهنگی و... بسازند و هزینه‌های سرمایه‌گذاری را به حساب دارایی میدان توسعه‌یافته منظور و طبق رویه‌های موجود در شرکت، سرمایه‌گذاری مربوط را سالانه مستهلک کنند.

همان‌طور که در پرسش آمده، در مبحث شناخت درآمد، بعضی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری مثل چاهی که به نتیجه نمی‌رسد و خشک است و یا هزینه‌های مطالعه اولیه زمین‌شناسی و ژئوفیزیکی (G&G) برای کشف امکانات و مطالعات لرزه‌نگاری در مدل تلاش موفق به حساب سودوزیان منتقل می‌شود و در عمل به‌ازای هر کدام از مدل‌ها درآمدها در شرکت‌های نفتی متفاوت است. همچنین در خصوص قیمت‌گذاری موجودیها به‌علت آن که مشخصات تولید از میادین مختلف نفت خام به‌ازای

مقیاس درجه سنگینی (API Gravity) و دیگر ناخالصیهای آن فرق دارد و قیمت فروش آن متفاوت است لذا از روشهای مختلفی^۱، برای قیمت‌گذاری موجودی استفاده می‌شود.

اما مهمتر از این موضوع، مسئله پیش‌بینی درآمدهای آینده شرکت است. همان‌طور که مطلع هستید اقتصاددانان به حسابداران خرده می‌گرفتند که حسابداران فقط وقایع گذشته را ثبت و ضبط می‌کنند و کاری با آینده ندارند و دیدگاه آنان ممکن نیست که برای سرمایه‌گذاران و ذینفعان سودمند باشد. از آنجا که صنایع بالادستی نفت و گاز دارای ریسک است و در عوض دارای درآمدهای مازاد بر میزان سرمایه‌گذاری است لذا استانداردهای حسابداری شرکت‌های بالادستی نفت را مکلف ساخته است که در صورتهای مالی اساسی خود در یادداشتهای همراه میزان حجم هیدروکربور کشف‌شده به تفکیک سرفصلهایی که پیش از این اشاره کردم را با اخذ آخرین اطلاعات فنی از حجم مخازن، افشا کنند و با تعیین عامل تنزیل (Discount Factor: DF) که به‌عنوان یک رویه در گزارش مالی افشا می‌کنند، درآمدهای آتی را با آخرین قیمت فروش هیدروکربور مورد نظر (نفت یا گاز) به تاریخ ترازنامه، محاسبه و ارائه کنند تا ذینفعان به‌راحتی در مورد آن شرکت تصمیم‌گیری کنند.

سازمان

صنعت نفت تا چه اندازه مسئولیت پاسخگویی عمومی دارد؟ گزارشگری مالی صنعت نفت تا چه اندازه برای تصمیم‌گیریهایی ذینفعان گزارشگری مالی در سطح صنعت و در سطح اقتصاد کشور اهمیت دارد؟

کاردر

از آنجا که قسمت عمده درآمدها و ارز حاصل از صادرات کشور متکی به توسعه صنعت نفت، تولید و صادرات نفت خام و گاز طبیعی است، لذا گزارشگری استاندارد به این امر کمک می‌کند. اما به‌علت شرایط تحریم و بهره‌برداری دشمنان از وضعیت صنعت نفت این اقدام صورت نگرفته است. در سالهایی که اینجانب در صنعت نفت در قبال گزارشگری مالی

مسئولیت داشتن صورتهای مالی بر اساس استانداردهای حسابداری ایران تهیه و منتشر می‌شد که این کار در حال حاضر میسر نیست اما مسئولین از طریق محاسبات کاربرگی به اطلاعات موردنظر می‌رسند.

سایبرس

به احتمال زیاد اگر حسابرسان در صنعت تخصص داشته باشند کار حسابرسی با کیفیت بهتری انجام می‌شود. نظر شما درباره ادعای یادشده چیست؟ تخصص حسابرسی در صنعت تا چه اندازه بر کیفیت حسابرسی تاثیر می‌گذارد و روی هم رفته چه مزایا و معایب احتمالی برای آن قائلید؟

کاردر

این گزاره، گزاره بسیار دقیق و صحیحی است، چون صنعت نفت پیچیدگی دارد و به قول متخصصین، مخازن هیدروکربوری مثل انسان ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی است. لذا، حسابرسان باید با فرایندهای اکتشاف، توسعه، تولید و فروش کاملاً آشنا باشند و از کارشناسان فنی این حوزه استفاده کنند. برای مثال در هزینه‌های توسعه، هزینه‌های حفاری اصلی‌ترین هزینه است و تاخیر در حفاری و مصرف مواد، مثل گل حفاری و تجهیزات، می‌تواند پروژه را در مواقعی غیراقتصادی سازد. در ظاهر چون حسابرسان تنها در فرایند گزارشگری دخیلند و در عملیات دخالت ندارند در نتیجه، حتی اگر به دلیل نداشتن شناخت وظایف خود را به‌طور کامل انجام ندهند، هیچگونه ایرادی متوجه آنها نیست، در حالی که حسابرس می‌تواند، با نقشی که در گزارشگری مالی دارد، سهم مهمی در پیشگیری از عملکرد غیراقتصادی و سوءاستفاده داشته باشد.

سایبرس

صنعت نفت، از صنایع بالادستی تا پائین‌دستی تا صنایع جانبی، گستره بسیار وسیع و متنوعی دارد که در ابتدا به آنها اشاره کردید. از طرف دیگر، شناخت حسابرسی از صنعت و محیط آن، در فرایند حسابرسی بسیار اهمیت دارد. تخصص حسابرسی در صنعت نفت تا چه اندازه موضوعی ضروری است؟ موسسه حسابرسی پی‌دبلیوسی (PWC)، طبق آن‌چه در صفحه نفت‌وگاز

مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی آن در دسترس است، بیش از ۶۰۰۰ کارشناس حرفه‌ای در صنعت نفت‌وگاز و بیش از ۲۵۰۰ صاحبکار حسابرسی در تمام قسمتهای صنعت نفت‌وگاز دارد، و مدعی است که در مهمترین مباحث حیاتی موثر بر صنعت نفت‌وگاز می‌تواند به صاحبکاران خود پشتیبانی دهد. آیا صنعت نفت در موضوع گزارشگری مالی و اعتباربخشی به آن، نیازمند حسابرسان متخصص در سطح بالاست؟

کاردر

شرکتهای نفتی بین‌المللی دارای زنجیره ارزش کامل، از مرحله پیدا کردن سرزمین برای کشف تا تولید مواد پتروشیمی و شیمیایی با ارزش افزوده بالاتر، هستند و ذینفعان آنها از قبیل سرمایه‌گذاران، دولت‌ها (برای دریافت حق امتیاز و مالیات یا عوارض مختلف)، وام‌دهندگان، بازیگران بازارهای مالی و کاغذی، خریداران و فروشندگان، نیاز به اطلاعات به‌روز و دقیق دارند. این نیاز، تهیه اطلاعات روشن و شفاف توسط نهادهای مسئول و ارائه صورتهای مالی شفاف طبق استانداردهای بین‌المللی حسابداری و تایید صورتهای مالی توسط حسابرسان حرفه‌ای را طلب می‌کند تا اطمینان لازم برای ذینفعانی که نام بردم فراهم شود و آنها بتوانند به اطلاعات ارائه‌شده اعتماد و بر اساس آن رفتار خود را با آن شرکت برپایه اطلاعات افشاشده تنظیم کنند.

به‌طور کوتاه و در پایان کلام اشاره کنم که صنعت نفت به‌علت گردش بالای مالی آنقدر مهم است که استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای مخازن هیدروکربوری، تعاریف فنی تدوین و ابلاغ کرده است.

سایبرس

برای شرکت در این گفتگو و طرح مطالب تازه و خواندنی از شما سپاسگزاریم.



پانویست:

1- Available for Sale, Back to Well, Value on Value Method, Gravel Barrel Method